

زمان ورود غول‌های دولتی به بورس

«فرهیختگان» در گفت‌وگو با کارشناسان بازدهی ۶ ماه اول بازار سرمایه را تحلیل کرد **۱**

نشریه «مسیر» وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب برای اولین بار از شرط آیت‌الله خامنه‌ای برای حمایت از بشار اسد در آغاز بحران سوریه خبر داد، این پیام توسط سردار قاسم سلیمانی به رئیس‌جمهور سوریه ابلاغ شد

مردم خط قرمز ما هستند **۲**



عکس: Khamenei.ir

آیت‌الله میرباقری، رئیس فرهنگستان علوم اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

عدالتخواهی نباید به فرسایش جبهه‌مومنان منجر شود **۱**



در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح شد
روایت ۳ تهیه‌کننده
آزروندسربال‌سازی در صداوسیما

گزارش میدانی «فرهیختگان» از بازار مکاره خرید و فروش حیوانات در جنوب تهران
با ۱۰۰ میلیون صاحب پلنگ شوید **۱۶**

با انتشار کتاب «ملاحظات در باره دانشگاه»
منازعه فکری طباطبایی و فیرحی
وارد فاز جدیدی شده است

جدال در آستانه کدام تجدد؟ **۱۸، ۱۳**



گفت‌وگو

آیت‌الله میرباقری، رئیس فرهنگستان علوم اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

عدالتخواهی نباید به فرسایش جبهه‌مومنان منجر شود

لیبرالیسم، در بحث لیبرالیسم اقتصادی مطرح می‌شود که این عدالت «مکتب رفاه» و بحث طبقات اجتماعی و تأمین اجتماعی است و هم در مکتب مارکسیسم که در برخی موارد ممکن است عدالتخواهی رنگ‌بوی نظریات مارکسیستی داشته باشد، کم‌اینکه امروز ادبیات مارکسیستی [در حوزه عدالتخواهی] مجدداً احیا شده است. اما این نباید موجب شود ما مانع از گسترش عدالتخواهی شویم و هر فردی که وارد این عرصه شد و مباحث عدالتخواهانه را مطرح کرد، به سوسیالیسم و مارکسیسم منتسب کنیم. از این جهت که مخالفان عدالتخواهی از این موضوع سوءاستفاده کرده و هر جنبش یا جریان عدالتخواه را متهم به مارکسیسم و چپ‌روی کرده و هجو جریان‌های عدالتخواه را پیگیری می‌کنند. این خطاست و نباید در جامعه ما اتفاق بیفتد. باید بدانیم اگر ما نظریه «عدالت دینی» را خوب تبیین نکنیم، ممکن است در بحث عدالتخواهی دچار انحراف شویم، به‌خصوص افرادی که در این حوزه فعال هستند باید به این مسأله توجه کرده و اول از همه سراغ نظریه‌های راست‌بانه رفته‌ایم و باید در روش و ادبیات خود تجدیدنظر نباید به «فرسایش جبهه مومنان» منتهی شود، بلکه باید هم‌افزایی [در جامعه اسلامی] را به‌همراه داشته باشد. بر این اساس، اگر دیدیم طرح موضوع عدالتخواهی موجب فرسایش جبهه خودی شده است باید بدانیم بخشی از راه را اشتباه رفته‌ایم و باید در روش و ادبیات خود تجدیدنظر کنیم. نکته دیگری که باید به آن توجه شود آن است که عدالتخواهی نباید مسا را در برابر نظریه «ولایت دینی» قرار دهد؛ از این جهت که ولایت دینی، محور نظریه‌های اجتماعی در اسلام است و عدالتخواهی ذیل آن تعریف می‌شود. البته در نگاه کلان خود نظریه ولایت دینی هم یکی از ارکان عدالتخواهی است، اما بعد از آنکه نظریه کلان شکل گرفت، عدالتخواهی در موضوعات اجتماعی اعم از کلان و خرد نباید در تعارض با نظریه «حاکمیت دینی» و نظریه ولایت دینی یا همان «ولایت فقیه» باشد.

برخی معتقدند عدالتخواهی مصداقی آفت جامعه است و باعث افزایش منازعات میان افراد و احزاب می‌شود. از طرفی عدالتخواهی غیرمصداقی هم تحقق‌پذیر نیست و اگر باشد هم اثری ندارد. اینکه برخی مطرح می‌کنند در عدالتخواهی نباید وارد مصادیق شد، درست نیست. اگر اخلاق اسلامی و قواعد فقهی مراعات شود و گفت‌وگو و گفت‌وگو میان هم‌افزا باشد، ورود مصداقی و جزئی هیچ اشکالی ندارد. مسأله این است که عدالتخواهی مصداقی «نابید سبب فرسایش جبهه مومنان شود. بنابراین اگر برخی اصول مثل اخلاق اسلامی رعایت شود و حرکت هم براساس نظریه عدالت دینی باشد و در نهایت فرسایش در جبهه مومنان پیش نیاید، ورود به عرصه عدالتخواهی هیچ مسأله‌ای ایجاد نمی‌کند در غیر این صورت و در خارج از این چارچوب، عدالتخواهی مصداقی آفت خواهد بود.

فعالیت‌های عدالتخواهانه از سوی برخی در سال‌های اخیر، بیشتر از آنکه منجر به افزایش مطالبه‌گری در حوزه عدالت شود، گفتمان‌های چپ فکری و سیاسی را احیا کرده است. از طرفی یکی از مطالبات مهم رهبر معظم انقلاب در سال‌های بعد از انقلاب، تحقق بیش از پیش عدالت و نهادینه‌شدن آن در ساختار جمهوری اسلامی بوده است. در متن بیانیه گام دوم ایشان با اشاره به این موضوع که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه با هیچ دوره دیگری در گذشته قابل مقایسه نیست، تأکید کردند: «البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است.» به این ترتیب به‌نظر می‌رسد فعالیت‌های عدالتخواهانه باید به سمتی حرکت کند که اولاً به اصل حاکمیت اسلامی و اصول دینی و مدنی آسیب نزند و از خطرات احتمالی مصون بماند و ثانیاً انتقادهای به برخی خطاهای طبیعی در کنش‌های عدالتخواهانه باعث نشود عده‌ای بر موح این انتقادهای سوار شوند و عدالتخواهی را به کلی نفی کنند. بر این اساس و به‌منظور ترسیم یک تصویر مشخص برای عدالتخواهی در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی به‌سراغ آیت‌الله سیدمهدی میرباقری رفته‌ایم. آیت‌الله میرباقری، رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم و از نظریه‌پردازان برجسته علوم اسلامی است. آنچه می‌خوانید متن گفت‌وگوی «فرهیختگان» با این استاد حوزه است.

در سال‌های اخیر تب عدالتخواهی به‌طور فزاینده‌ای داغ شده است. برخی در قالب گروه‌های مختلف، جریان‌های عدالتخواهی به راه انداخته‌اند و ظاهراً درصدد گسترش گفتمان عدالت‌گستند؛ اما آنچه غالباً اتفاق می‌افتد انحراف این جریان‌های عدالتخواهی است که عموماً هم انحراف به چپ است. بر این اساس عده‌ای مسأله عدالتخواهی را به این شکل به کلی طرد می‌کنند و درصدد تعطیلی آن و برخی هم نگران ایجاد انحراف در گفتمان انقلاب اسلامی هستند. به‌نظر شما برای جلوگیری از انحراف جریان‌های عدالتخواهی از یک‌طرف و ممانعت از تعطیلی مطالبات عدالتخواهانه از طرف دیگر، چه می‌توان کرد؟

درباره موضوع «عدالتخواهی» در قدم اول باید به «نظریه اجتماعی اسلام» و مبحث «عدالت اجتماعی» مراجعه و آن را به‌درستی تبیین کرد و براساس مولفه‌هایی که در مبانی اسلامی آمده است، شاخص‌هایی مثل «عدالت» را سامان دهیم. پس از تبیین این مباحث و در مرحله بعد است که می‌توانیم ساختارهای اجتماعی طراحی کرده و نهادسازی کنیم. برای ورود به عرصه عدالتخواهی در جامعه اسلامی اگر این مراحل را طی نکنیم ممکن است در دامن مکاتب دیگر بیفتیم. عدالت هم در مکتب

محمدصادق مودب
دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه
مبانی یسه این و آن، به دکتر کریم مجتهدی و... پرداخته، اما کمتر عهده‌دار پاسخ به نقدها شده است و به‌نظر می‌رسد که نقد، پرخاش و خطابه علیه دیگران را پاسخ به نقدها قلمداد کرده است. از میان نقدهای این کتاب اخیر، مفصل‌ترین نقد راجع به دکتر داود فیرحی است. البته کار دکتر فیرحی هم قابل نقد است، اما اگر طباطبایی تمام حجم کتاب را هم به فیرحی اختصاص می‌داد، باز آن مطالب، پاسخ نقدهای فیرحی و دیگران به طباطبایی نبود.

طباطبایی، سنت و ایران در نظر جواد طباطبایی، ایران و اندیشه ایرانی‌شهری جز خوانشی مدرن از مآثر تاریخی کهن ما نیست و آثار و معاصر کهن ایرانی یا اسلامی جز مردی‌گی شایسته مصادره و نفع‌وضع مدرن و برای اثبات آن نیستند. از میان تابعان و هواخواهان طباطبایی، کسانی هستند که درد ایران و عالم ایرانی (چنانکه در تاریخ ما محقق شده) را دارند و به این دلیل به چشم تأیید و تمجید در کار طباطبایی می‌نگرند، اما طباطبایی خود گفته و نوشته است که سنت یعنی «سنت اندیشه در ایران»، در صورتی می‌توانست زنده و زاینده باشد که اندیشه دوران جدید تاسیس می‌شد و با توجه به مبنایی جدید این تاسیس، سنت مورد تفسیر مجدد قرار می‌گرفت، اما این کار به شکل عمومی رخ نداده و موجب شده وضعیت کنونی به بن‌بستی بنیادین مبدل شود؛ بن‌بستی که راهی برای خروج از آن نیست مگر نقادی روشمند سنت از طریق مدرنیته هرچند نتیجه آن پایان سنت باشد.

هماهنگی کلی فیرحی و طباطبایی به این ترتیب طباطبایی تعلقی به عالم ایرانی ندارد، بلکه درصدد پوشاندن هر چه بیشتر «عالم ایرانی» ذیل سیطره وضع مدرن است. طباطبایی کارش را در «سیاست نظری» پی می‌گیرد، ولی فیرحی بر آن است که با خوانشی دیگر از فقه، از آن وجهی دموکراتیک استخراج و فقه را در جهت تجدد سیاسی استخدام کند. به این ترتیب کار فیرحی و طباطبایی در کلیت و بعضی اجزای مقوم، هماهنگی‌هایی جدی دارد و نقد متقابل میان آنها، نباید سبب این گمان شود که غرض یا مبنایی با لکل متفاوت دارند، هرچند خود به آن مبنا آگاه نباشند یا به آن تصریح نکنند.

درخت در چشم، در چیست و جوی خار برای نمونه، طباطبایی به استخدام بعضی اصطلاحات نزد فیرحی اشکال کرده است. البته دقت در اصطلاح‌شناسی در علوم واجب و لازم است، ولی این اشکال‌ها و اشکال‌هایی دیگر، به‌طریق اولی به خود طباطبایی نیز وارد است. اول اینکه طباطبایی در بررسی نظر فیرحی راجع به سنت، نحوی «حصر مفهومی» در کار آورده است، درحالی که این حصر مفهومی، همه استعمالات «سنت» را شامل نمی‌شود و مثلاً به بحث ماکس وبر در «سیاست و اجتماع» راجع به فراهشی‌انگاری یا سنت‌گرایی (traditionalism) در میان «سه صورت نوعی عقلی حکومت» یا بحث سنت‌گرایان از «سنت» یا... الفتاتی نکرده و گزینه دلالت‌های سنت، منحصر به آنچه طباطبایی شمرده، نیست. اما طباطبایی گویا از درختی که خود در چشم دارد، غافل شده و از این جهت است که خار در چشم یا پای دیگران می‌جوید. از ایرادات فیرقابل کتمان طباطبایی، عدم ایضاح مفهومی است. مفاهیمی چون «تاریخ»، «ایران»، «موضوع»، «خرد» و حتی خود مفهوم «سنت» نزد طباطبایی هرگز توضیحی درخور نیافته‌اند. او نتنها خود به این مطلب معترف است و پا گذاشتن در وادی ایضاح مفاهیم را -که هرگز در آثار طباطبایی به ثمر نرسیده است- خطر کردن می‌داند (نگاه کنید به طباطبایی، سید جواد، تأملی درباره ایران، جلد دوم، بخش نخست، پانویس

ص ۵۴). بلکه تا همانجا که خطر کرده است هم هیچ نتیجه محصلی نگرفته است. مثلاً ایضاح ایران با «جسم لطیف» یا «گاهی ملی» یا ایضاح سنت با «ترکیبی که در عصر احیای فرهنگی در اندیشه سیاسی تدوین شده»، مفید نتیجه‌ای نیست.^(۲) به‌جای ایضاح مفهومی یا ارجاع مفاهیم به افکار سایر متفکران، طباطبایی مدعی است که معنای خاص خود را به کلمات می‌بخشد، ولی اگر این زبان خصوصی و شخصی را از طباطبایی بپذیریم، چه مانعی دارد که برای فیرحی هم قائل به زبانی خصوصی و شخصی شویم و او را از اصطلاح‌شناسی و استعمال الفاظ در مواضع‌شان معاف کنیم؟ مضاف بر اینها گویا نه با اندیشه سیاسی طباطبایی، نه با مراد و منظور او از کلمات، بلکه با واقعیتی (۱) نام‌بخش (۲) مواجهیم:

«ایران یک نام نیست، واقعیتی نام‌بخش است!» (طباطبایی، سید جواد، تأملی درباره ایران، ج ۱، ص ۳۹).
نقد و لوازم نقد این سطور نقد را در حوزه علم، لازم و واجب می‌داند، اما نقد هم لوازمی دارد و پاسخ به نقد هم باید پاسخ به نقد باشد نه تعرض به ناقد و خطابه علیه او. طباطبایی گاه در نقد مطالبی قابل استفاده می‌گوید اما عموماً استدلالی در کار نمی‌آورد یا نتیجه‌ای که می‌گیرد، از مقدماتش به‌دست نمی‌آید. در این کتاب اخیر نیز می‌توان مکرراً نمونه‌هایی از این نحوه بحث را مشاهده کرد.^(۳) نام‌گزنده مشتاق است استدلال‌هایی قانع‌کننده از فیلسوف سیاسی ایران و ایرانی‌شهری را شاهد باشد؛ شاید که نتوانست بیش از غرض و مراد طباطبایی، که همانا موجه ساختن مدرنیته یا تمسک به مآثر است، با طرح او نیز قدری آشنا شود و آن را در انسجامی (که لابد دارد ولی قابل دیدن نیست) دریابد؛ البته اگر دکتر طباطبایی چنان دلالی را ارائه دهند. دکتر فیرحی در این زمینه قدری از طباطبایی پیش‌تر است، چراکه با ضعف‌های طرح خود آشناست و آن را مطلق نمی‌پندارد؛ بلکه بارها پیش آمده که در پاسخ گفته است: «اگر کسی راهی بهتر سراغ دارد، بگوید.» گرچه در این تحدی، نحوی تخفیف سایر طرح‌ها هست، اما همین که فیرحی به ضعف کارش آگاه است، نکته مهمی است. ضعف کار فیرحی اولاً در خلط جدید و قدیم است (چنانکه در طباطبایی هم این ضعف هست) و ثانیاً و بالعرض در راهی است که انتخاب کرده است. به این جهت، نشان دادن راه دیگر، به کار فیرحی نخواهد آمد چرا که او برای «غرض مقصود خود» به دنبال راه می‌گردد و هر غرضی، با هر راهی مناسبت ندارد. به این ترتیب فیرحی و طباطبایی اهل ایدئولوژی هستند (گرچه ظاهراً از ایدئولوژی بد می‌گویند) یعنی پاسخ و غرض را از پیش اختیار کرده‌اند و به دنبال سرهم کردن تئوری برای توجیه آنند. «سیاست نظری» نیازمند مبنایی در امور عامه و کلیات است که طباطبایی با «احاله بمجهول و مهمل» (چنانکه ذکر شد) و فیرحی با تمسک به «اکتشافات سیاسی مدرن از متون فقهی»، از آن گریخته‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مطلب را پیشتر در مقاله‌ای توضیح داده‌ام: مودب، محمدصادق، بیابید این دانشگاه را ملی نکنید، وطن امروز، ۲۶ شهریور ۹۶ (سال نهم، شماره ۲۲۵۹)، ص ۱۲.
۲. خصوصاً از آن جهت که مفاهیمی چون ملیت (nationalité) یا خرد (raison)، مدلولی واحد ندارند و معنای کلمات در تطور تاریخی، تغییر می‌کند (و در تاریخ اندیشه، تغییر کرده است). واضح است که طباطبایی، معنای مدرن ملیت را در نظر دارد، ولی برای اخذ آن، مبنایی ندارد یا ارائه نمی‌کند.
۳. یک نمونه یعنی استدلال مستلزم احصای تام و حصر معنای سنت را ذکر کردیم و نمونه‌هایی را هم در صفحات ۱۴ و ۱۵ امروز می‌توان دید.

خبر

دکتر ولایتی در نشست خبری
نهمین کنگره بین‌المللی بیماری‌های ربوی
مراقبت‌های ویژه و سل:

بیماری سل پس از انقلاب و با مراقبت‌های ویژه به شدت کاهش یافت

دکتر ولایتی صبح دیروز در نشست خبری نهمین کنگره بین‌المللی بیماری‌های ربوی، مراقبت‌های ویژه و سل که در بیمارستان مسیح‌دانشوری با حضور جمعی از اصحاب رسانه برگزار شد، اظهار کرد: «شنبه ۲۰ مهرماه، نهمین کنگره بیماری‌های ربوی، مراقبت‌های ویژه و سل در بیمارستان فرهیختگان دانشگاه آزاد اسلامی برگزار خواهد شد.»

رئیس بیمارستان مسیح‌دانشوری افزود: «این کنگره هر دوسال یک‌بار با حضور جمعی از پزشکان و متخصصان بیماری‌های ربوی از کشورهای مهم دنیا برگزار می‌شود و تاکنون ۱۶۰ مقاله علمی و پزشکی به این کنگره فرستاده شده که از میان آنها ۹۰ مقاله پذیرفته شده است و مقالات برتر در این کنگره معرفی خواهند شد.»
دکتر ولایتی ادامه داد: «در این کنگره سه بخش مورد بررسی قرار خواهد گرفت که شامل بیماری‌های ربوی، سل و مراقبت‌های ویژه پس از پیوند ریه می‌شود.» وی درباره جراحی‌های انجام‌شده در بیمارستان مسیح‌دانشوری هم افزود: «تاکنون ۸۱۰۰ مورد پیوند د ریه، ۴۲ مورد پیوند یک ریه، ۲۵۷ مورد پیوند قلب و ۶ مورد پیوند کلیه در بیمارستان مسیح‌دانشوری انجام شده است و در کل منطقه خاورمیانه مرکزی مانند بیمارستان مسیح‌دانشوری وجود ندارد. در این مرکز بیش از دوهزار مورد جراحی تنگی نای انجام شده که در دنیا کم‌نظیر است.»

دکتر ولایتی با اشاره به آمار مبتلایان به بیماری سل قبل و پس از انقلاب اسلامی تصریح کرد: «در اوایل انقلاب از هر ۱۰۰ هزار نفر ۴۰ نفر مبتلا به سل بودند؛ اما پس از انقلاب اسلامی با تلاش‌های وزارت بهداشت و درمان این عدد به ۱۴ نفر از ۱۰۰ هزار نفر رسید و به‌شدت کاهش یافت و کنترل شد.»

رئیس بیمارستان مسیح‌دانشوری در پایان خاطرنشان کرد: «مراقبت از ریه پس از پیوند، از اهمیت زیادی برخوردار است چراکه امکان عفونت و پس‌زدن عضو پیوندشده وجود دارد. بیمارستان مسیح‌دانشوری تنها مرکز درمانی در کشور است که پیوند ریه انجام می‌دهد زیرا این پیوند بسیار سخت و مشکل است.»

در ادامه این نشست اسماعیل مرتاض، دبیر علمی کنگره درباره جزئیات این کنگره گفت: «کنگره به مدت چهار روز در بیمارستان فرهیختگان برگزار خواهد شد و ۱۸ سخنران از کشورهای مهم جهان از جمله هندوستان، آمریکا، یونان و... به این کنگره دعوت شده‌اند؛ ضمن آنکه برای روز ملی سل هم برنامه مفصلی پیش‌بینی شده که با حضور معاون وزارت بهداشت به اجرا درخواهد آمد.»